

## را پذیرفتید و چرا این همکاری دیگر تکرار نشد؟

به این دلیل که یک جوان بیست و چهار ساله فیلمنامه‌ای به آن خوبی داشت و من فکر کردم که باید به او کمک کنم و خیلی هم از نتیجه کارش راضی بودم. درباره همکاری مجدد باید بگویم که اتفاقاً خیلی لطف داشت دوست داشت که در فیلم «ابد و یک روز» بازی کنم و نقش مادر را به من پیشنهاد کرده بود که من فکر کردم نقش من نیست و به نظرم خانم شیرین یزدان بخش انتخاب عالی بود و مثل دیگر بازی‌هایش در فیلم‌های دیگر بی نظیر بازی کرد. دیگر پیش نیامد که با هم کار کنیم، شاید نقش مناسب من نداشته یا هر دلیل دیگری؛ از طرفی لزومی ندارد که آدم‌هایی که با هم کار می‌کنند حتماً ادامه بدهند. خوشحالم که جایش را پیدا کرده و فیلمساز جوان خوش فکر دیگری در سینمای ما درخشیده است. فیلمساز دیگری که در فیلم کوتاهش بازی کردم، فرشته پرنیان بود که فکر می‌کنم او هم بسیار مستعد بود و می‌توانست بیشتر کار کند ولی متأسفانه شرایط برای خیلی از کارگردان‌های جوان فراهم نمی‌شود. ما استعدادها را ناشناخته زیادی داریم که به ظهور نرسیده‌اند و با حمایت بیشتر می‌توانند سینمای ما را شکوفاتر کنند. من تاجایی که بتوانم علاقه‌مند هستم که با کارگردان‌های فیلم اولی و جوان کار کنم، به این دلیل که فکر می‌کنم سال‌ها منتظر بوده‌اند و تلاش کرده‌اند و تمام انرژی‌شان را برای فیلم اول می‌گذراند و شاید بهترین کارشان بشود.

با تمام این سال‌هایی که کار کردید و رفت و آمدی که به فستیوال‌های خارجی داشتید، به نظر شما بزرگ‌ترین نقطه ضعف سینمای ایران که همچنان هم باقی هست در کدام بخش است؟ و چه چیز برای شما همیشه در کار چالش منفی در دست می‌کند و اصطلاحاً سرچایش نیست؟

من خیلی به جشنواره‌های خارجی نرفته‌ام، اما فکر می‌کنم که ما باید نیرو و هزینه بیشتری را صرف فیلمنامه کنیم و البته که دست و بال همه به دلیل ممیزی‌هایی که الان بیشتر هم شده، بسته است. ما ممیزی‌های زیادی داشتیم و خیلی هم آسیب زنده بود. متأسفانه الان به نظر می‌آید که حساسیت ممیزین بیشتر هم شده و این نگران‌کننده است. اگر در ادبیات‌مان سرمایه‌گذاری کنیم و اجازه نشر آثار بیشتری با اعمال نظرهای کمتری بدهیم؛ تفکر



**اصغر فرهادی به پیشنهاد همه گوش می‌دهد. وقتی فیلمنامه را می‌خوانی با تو صحبت می‌کند و نظراتت را می‌پسند و این به نظر من یکی از مثبت‌ترین ویژگی‌های او است**

برای من فیلمنامه منشأ همه چیز است و به همین دلیل من در وهله اول هر چالشی که داشته باشم با فیلمنامه دارم، یعنی اگر بحثی داشته باشم اول راجع به فیلمنامه است. گاهی اوقات فیلمنامه آن قدر خوب است که غیر از تعریف از آن حرفی برای زدن ندارم، ولی بعضی وقت‌ها نیاز به گفت‌وگو هست. بعضی وقت‌ها فیلمنامه باز نویسی می‌شود و گاهی اوقات در همان ابتدای کار می‌شود. موضوع، قصه پردازی، شخصیت پردازی و سلیقه کارگردان را می‌توان از فیلمنامه دریافت.

**وقتی به کارنامه کاری شما نگاه می‌کنیم به نظر می‌رسد که برای شما کارگردان و نام او خیلی مهم است و منتهای دوفیلم، کارگردان غیر شاخصی در همکاری‌های شما دیده نمی‌شود. برای کار کردن با کارگردانان ناآشنا تر آدم کم‌ریسکی هستید یا جسارت انتخاب در شما وجود دارد؟**

بر عکس است. فکر می‌کنم مورد دوم یعنی جسارت در انتخاب، درست‌تر باشد. سابقه من نشان می‌دهد که با کارگردانان فیلم اول یا دوم بیشتر کار کرده‌ام. اولین فیلمم، اثر اول اصغر هاشمی بود. فیلم بعدی که بازی کردم اولین فیلم فریدون جیرانی بود و بعد از آن اولین فیلم جعفر پناهی را بازی کردم. من در اولین فیلم عبدالرضا کاهانی هم حضور داشتم. یعنی اتفاقاً من بیشتر با کارگردان‌هایی کار کرده‌ام که اولین فیلم‌هایشان بوده است. من همچنین در فیلم دوم رضا میرکریمی، مسعود بخشی، هاتف علیمردانی و مریم بحر العلومی حضور داشتم. اسم کارگردان برای من مهم نیست، چیزی که برای من مهم است فیلمنامه و همچنین نگاه کارگردان به فیلمنامه و نقش است. اگر پیش‌تر از او فیلم دیده باشم که بهتر است و اگر ندیده باشم و کاری نکرده باشد، فیلمنامه مهم است و شناخت و حرف زدن در مورد آنچه هدف فیلمساز است.

البته کار کردن با کارگردانان با تجربه و برجسته جایگاه خودش را دارد و همکاری با آنها برای من جداز یادگیری و تجربه، آرامش و اطمینان از نتیجه کار را به همراه دارد و می‌دانم فیلم در شرایط بهتری ساخته، تبلیغ و نمایش داده می‌شود.

**اتفاقاً شما در اوایل دهه نود در دومین فیلم کوتاه سعید روستایی به اسم «مراسم» حضور داشتید. چطور شد که این همکاری**

نیاز ماست که قهرمان را به وجود می‌آورد. در واقع ضعف‌ها و خلأهای شخصیتی و کمبودهای ماست که باعث می‌شود شخصی را قهرمان کنیم. در حالی که به قول برتولت برشت آدم، آدم است. آدم در شرایطی که قرار می‌گیرد، تصمیم می‌گیرد چه کند. رفتار ما بسیار به موقعیتی که در آن قرار می‌گیریم بستگی دارد نه توقع یا شناختی که از خود داریم و داشتن احساس والا بودن در ما ایجاد می‌کند. از برشت جمله‌ای به شکل دیگری در فیلم هست. در آنجا که شخصیتی می‌گوید: «بیچاره ملتی که تو قهرمان‌شان باشی» یا جمله‌ای شبیه به این که دقیقاً یادم نیست؛ و برشت می‌گوید: بدبخت ملتی که به قهرمان نیاز دارد. از جذابیت‌های این فیلمنامه برای من این است که آدم‌ها در موقعیت، شرایط اجتماعی و فشارهایی که از خارج به آنها وارد می‌شود رفتار می‌کنند و ما نمی‌دانیم که اگر خودمان در آن موقعیت بودیم چه کار می‌کردیم. این مسأله است که در ذات خود اصل قضاوت را سلب می‌کند. درک آدم‌ها مهم است نه قضاوت‌شان، چرا که مادر جایگاه قضاوت نیستیم. کلام از مادامی هستیم که هیچ اشتباهی نکرده‌ایم؟ زمانی که می‌خواستند مریم مجدلیه را سنگسار کنند حضرت مسیح می‌گوید اولین سنگ را کسی برتاب کند که تا به حال هیچ گناهی نکرده باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند سنگ را برتاب کند. در حال حاضر فضای مجازی و رسانه‌ها بر رفتار آدم‌ها تأثیر زیادی می‌گذراند، هر کسی می‌خواهد فردی که دوست دارد مطابق سلیقه‌اش رفتار کند، همین است که افرادی را تخریب و یا خیلی تقویت می‌کنیم. افکار عمومی به دلیل آگاهی و دسترسی به اطلاعات خیلی قدرتمند شده و همین باعث هراس افرادی چه در قدرت و چه فرد عادی مثل رحیم می‌شود. همه مشغول رصد هستند و اطلاعات درست و یا غلط ما را احاطه کرده است.

**انتخاب فرشته صدر عرفایی برای کارگردانی تضمین این است که نقش او به بهترین شکل بازی می‌شود حتی اگر نقش سختی باشد که نرگس آبیاری در «شبی که ماه کامل شد» به شما داد. ما به عنوان مخاطب شما خیلی دوست داریم بدانیم که وقتی یک نقش را می‌پذیرید با آن نقش چه کار می‌کنید که اصطلاحاً در بیاید؟ صرفاً با فیلمنامه جلو می‌روید یا کارهای دیگری هم برای طراحی ساختمان نقش می‌کنید؟**

